





Co-cultural Relations between Afghan Nationals and Qom Citizens*

 10.22034/cdrj.2025.553618.1058

Abolhassan Hosseinzadeh

Assistant Professor, Department of Culture and Media, Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom, (Correspondence author)


hoseinzadeh3000@yahoo.com

 0009-0000-6359-6188

Mahmoud Kaviani

Master's degree in Cultural Sociology from Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom

yasinkawwany001@gmail.com

 0009-0008-9555-954X



Received: 16 October 2025

Accepted: 24 December 2025

ABSTRACT

The presence of Afghan immigrants in the city of Qom, has created many opportunities for interaction and integration due to historical, linguistic, and religious similarities, but on the other hand, it has brought with it numerous identity, cultural, and social challenges. The present study, with the aim of better understanding and facilitate the intercultural relations between Afghans and Qomi citizens, has utilized the theory of interculturality, which analyzes the behavior of minority groups in dealing with dominant groups in three main strategies (adaptation, compromise, separation) and at different levels (passive, active, hyperactive) In this study, Afghan immigrants were considered as a minority group and Qom citizens as the dominant group.

The research method is descriptive-analytical and has a qualitative approach, and 30 Afghan immigrants living in Qom were interviewed using a phenomenological method to analyze their communication orientations based on Orb's theory. The results showed that Afghan immigrants adopt diverse communication orientations in their interactions with Qomi citizens. The approach of immigrants with a history and age with bitter memories is passive compromise. Younger individuals adopted approaches such as passive and active accommodation and passive and active adaptation. Newer generations are pursuing the above approaches or a new approach outside the approaches envisioned in Orb's theory of co-culturation under the title of complete adaptation. They are a generation that intends to build a convergent society. They are seeking a change in the type of attitude of the host society so that they can live better than their previous generations.

Keywords: Intercultural Communication, Afghan Refugees, Co-Culturalism Theory, Qomi Citizens.

مقاله پژوهشی

مناسبات هم‌فرهنگی اتباع افغان در مواجهه با شهروندان قمی*



10.22034/cdrj.2025.553618.1058

ابوالحسن حسین‌زاده

استادیار گروه فرهنگ و رسانه دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

hoseinzadeh3000@yahoo.com

0009-0000-6359-6188

محمود کاویانی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی قم، قم، ایران

yasinkawany001@gmail.com

0009-0008-9555-954X

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

چکیده

حضور مهاجران افغان در شهر قم، به دلیل اشتراک‌های تاریخی، زبانی و مذهبی، از یک سو فرصت‌های تعامل و همگرایی ایجاد کرده و از سوی دیگر چالش‌های هویتی، فرهنگی و اجتماعی فراوانی به همراه داشته است. پژوهش حاضر با هدف شناخت بهتر و تسهیل مناسبات میان فرهنگی افغان‌ها و شهروندان قمی از نظریه هم‌فرهنگی اورب که رفتار گروه‌های اقلیت در مواجهه با گروه‌های غالب را در سه استراتژی اصلی (انطباق، سازش، جداسازی) و در سطوح مختلف (منفعل، فعال، بیش‌فعال) تحلیل می‌کند، بهره برده است. در این پژوهش مهاجران افغان به عنوان گروه اقلیت و شهروندان قمی به عنوان گروه غالب در نظر گرفته شدند.

روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و با رویکرد کیفی است. با روش پدیدارشناسانه با سی نفر از مهاجران افغان مقیم قم مصاحبه شد تا جهت‌گیری‌های ارتباطی‌شان بر اساس نظریه اورب تحلیل شود. نتایج نشان داد مهاجران افغان در تعامل با شهروندان قمی جهت‌گیری‌های ارتباطی متنوعی اتخاذ می‌کنند. رویکرد مهاجران با سابقه و سن بالا و با تجربه خاطرات تلخ، سازش‌کارانه از نوع منفعل است. افراد کم‌سن‌تر، رویکردهایی چون سازش منفعل و فعال و انطباق منفعل و فعال را پیش گرفتند. نسل‌های جدیدتر در پی رویکردهای فوق یا رویکرد جدید خارج از رویکردهای متصور در نظریه هم‌فرهنگی اورب و با عنوان انطباق کامل هستند؛ نسلی که قصد ساختن جامعه‌ای همگرا دارند، آن‌ها به دنبال تحول در نوع نگرش جامعه میزبان هستند تا بتوانند بهتر از نسل‌های پیشینشان زندگی کنند.

واژگان کلیدی: ارتباطات میان‌فرهنگی، مهاجران افغان، نظریه هم‌فرهنگی، شهروندان قمی

مقدمه

فرهنگ و ارتباطات را می‌توان سنگ بنای جوامع انسانی برشمرد. ارتباطات میان‌فرهنگی به دلایل گوناگون همواره از موقعیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ ارتباطی متنوع، پرمزوراز، کثیرالاضلاع، مبتنی بر زمینه‌ها و شرایط ویژه، دارای آثار و نتایج قابل توجه و برخوردار از ضرورت‌های کارکردی که همواره در سطوح مختلف به صورتی اجتناب‌ناپذیر قرین جامعه انسانی بوده و در عصر حاضر نیز به یمن وقوع برخی تحولات مانند مهاجرت و پناهندگی به یکی از عادی‌ترین روابط متقابل میان اعضای وابسته به جوامع و فرهنگ‌های مختلف تبدیل شده است. درک عمیق ابعاد و زوایای این پدیده و کاوش پیرامون آن، ضرورت مطالعه، پژوهش و تحقیقات گسترده را مسجل ساخته است. ارتباطات میان‌فرهنگی زمانی در جامعه ظهور و بروز واضح‌تری دارند که افراد با فرهنگ‌های متفاوت با هم ارتباط برقرار کنند (حسین‌زاده، ۱۴۰۳).

براساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، بار اصلی پذیرش پناهجویان در سال ۲۰۱۰ میلادی، بر دوش کشورهای پاکستان، ایران و سوریه بوده است (بشیر و کشانی، ۱۳۹۸). ازسوی دیگر طبق آمار مرکز امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور و به نقل از سازمان بین‌المللی مهاجرت، موج ورود اتباع افغانی به ایران همچنان ادامه داشته و در شش ماهه نخست ۲۰۲۴ میلادی بیش از یک میلیون نفر از این اتباع در کشور ما ساکن شده‌اند. مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی استانداری قم نیز در مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی در سی‌ام اردیبهشت ۱۴۰۲، ایران را دومین کشور در پذیرش اتباع به‌ویژه اتباع افغانستانی دانست که از این نظر، قم پنجمین استان کشور در پذیرش اتباع افغان است.

اشتراک‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی میان دو ملت ایران و افغانستان، حفظ هویت فرهنگی مهاجران، حفظ ارتباط درونی قشرهای مختلف جامعه مهاجران، و برقراری ارتباط با جامعه فرهنگی و هنری ایران از دلایل مهم شکل‌گیری فعالیت‌های فرهنگی مهاجران افغانستانی در ایران است (حسین‌زاده، ۱۴۰۳: ۱۶۸-۱۳۵). در میان کشورهای همسایه و جهان، ایران سهم

بسزایی را از حضور مهاجران افغانستانی به خود اختصاص داده است. با توجه به چالش‌های ارتباطی ایجادشده در سال‌های اخیر، درک عوامل مؤثر بر ارتباطات اهمیت شایانی دارد. از آنجاکه مهاجران افغان در مقابل ایرانیان در اقلیت هستند، رفتار و کنش مهاجران افغان مقیم ایران را به‌عنوان گروه اقلیت یا هم‌فرهنگ در برابر ایرانیان که گروه غالب هستند، می‌توان بررسی کرد. شناخت استراتژی‌های افغان‌ها در مواجهه با ایرانی‌ها می‌تواند درک روشن‌تری از موانع و بسترهای تسهیل‌کننده ارتباطات میان‌فرهنگی میان طرفین به سیاست‌گذاران ارائه دهد و شناخت رویکردهای ایشان در ارتباط با شهروندان قومی می‌تواند نقطه عزیمت مدیریت مؤثر مناسبات میان‌فرهنگی در شرایط کنونی و آینده قرار گیرد. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که بر اساس نظریه هم‌فرهنگی، ارتباطات میان‌فرهنگی افغان‌ها در مواجهه با شهروندان قومی چگونه است؟

۱. پیشینه تحقیق

پیرامون ارتباطات میان‌فرهنگی افغان‌ها و شهروندان ایرانی آثار مختلفی با استفاده از نظریه‌های مختلف نگاشته شده است که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

حسن بشیر و محمدجواد کشانی (۱۳۹۸) در پژوهشی کیفی با عنوان «ارتباطات میان‌فرهنگی افغان‌های مقیم ایران با ایرانیان برپایه نظریه هم‌فرهنگی» مصاحبه‌هایی را با بیست تن از مهاجران افغانی مقیم بومهن با چهارچوب نظری گادیکانست و اورب انجام دادند و به تحلیل رفتارهای این مهاجران براساس نظریه هم‌فرهنگی پرداختند. نتایج نشان داد نسل سوم مهاجران افغانی برخلاف نسل‌های گذشته که به‌طور سنتی رویکرد سازش را انتخاب می‌کردند، روش‌های انطباقی و گاه به‌صورت محدودتری روش جداسازی را انتخاب می‌کنند.

ابوالحسن حسین‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «ابعاد ارتباطات میان‌فرهنگی مهاجرین افغان با شهروندان مشهد»، با ترکیبی از مصاحبه عمیق و پیمایشی با جامعه آماری متشکل از ۶۵۴ نفر از مهاجران افغان، نظریه‌های مدیریت اضطراب، بی‌اطمینانی و همسازی و انطباق بر

کاهش روابط میان فرهنگی را در پژوهش خود مورد توجه قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد ارتباط میان فرهنگی افغان‌های مهاجر با مشهدی‌ها عمدتاً در سطح روابط متوسط است و رابطه خوبی میان شهروندان مشهدی با مهاجرین افغان در بُعد ارتباط تعاملی برقرار است و از سوی دیگر رابطه میان ذهنی نیز شرایط بهتری را با افزایش مدت سکونت پیدا کرده است.

ابوالحسن حسین‌زاده (۱۴۰۳) در مقاله «تحلیل برهم‌کنش ابعاد ارتباطات میان فرهنگی دانشجویان دانشگاه المصطفی» به مطالعه دانشجویان خارجی این دانشگاه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد میان ابعاد مختلف ارتباطات میان فرهنگی شامل بعد میان‌شخصی با تأکید بر معاشرت و دوستی، بعد میان‌متنی با تأکید بر آشنایی با زبان و ادبیات، آداب و رسوم و مفاخر فرهنگی، بعد میان‌ذهنی با تأکید بر تصورات قبل و بعد حضور در دانشگاه و بعد تعاملی بر مبادله و تعامل اقتصادی و بعد سیاسی با تأکید بر اختلاف و کدورت، برهم‌کنش معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که آشنایی با زبان و ادبیات و فرهنگ و داشتن تصور مثبت از یکدیگر سبب ایجاد درک و فهم مشترک شده که خود سبب تقویت و تسهیل ارتباط میان فرهنگی آن‌هاست.

غمامی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «ارتباطات میان فرهنگی و تعارض فرهنگی در میان اقوام ایرانی» تحقیقی انجام دادند. روش پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی) بود. جامعه آماری شامل ۵۰۰ نفر از اقوام کرد، لر و ترک در غرب ایران بودند که ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش‌نامه و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. نتایج تحقیق نشان داد تفاوت‌های فرهنگی در صورت عدم مدیریت، ۴۰ درصد تعارض ایجاد می‌کند، اما آموزش مهارت‌های میان فرهنگی این تعارض را ۶۵ درصد کاهش می‌دهد.

زارعی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ‌پذیری مهاجران افغانی در ایران و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی» مطالعه‌ای انجام دادند. روش پژوهش کمی و از نوع توصیفی - تحلیلی بود. جامعه آماری شامل ۴۰۰ نفر از مهاجران افغانی در شهر مشهد بودند که ۱۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه فرهنگ‌پذیری بود.

نتایج تحقیق نشان داد فرهنگ‌پذیری، تعاملات اجتماعی را ۵۰ درصد بهبود می‌بخشد، اما موانع زبانی و تبعیض این روند را کند می‌کند.

روح‌الله بیگزاد و جعفر حق‌پناه (۱۳۹۷) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی ارتباطات میان‌فرهنگی کردهای ایران با اکراد شمال عراق» توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به چاپ رسانده‌اند. این مقاله پیمایشی بین شهروندان کردزبان کردستان و آذربایجان غربی و کردزبان اقلیم کردستان عراق نشان می‌دهد اشتراک‌های متعدد در زبان، قومیت، مذهب و هویت قومی عوامل مؤثر در ارتباطات میان‌فرهنگی دو گروه است.

حسن بشیر و علی سلیمان‌زاده (۱۳۹۳) به مطالعه روابط و مناسبات میان ارامنه و ایرانیان پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکردی پدیدارشناسانه و مبتنی بر نظریه هم‌فرهنگی، اقوام ارامنه در ایران را بررسی کرده است. رویکردهای اتخاذشده از سوی ارامنه گاه به انزوا و قطع رابطه با گروه مسلط و گاه به شکل تعامل پایاپای با آنان و گاهی نیز انطباق کامل صورت گرفته است. پژوهش نتیجه می‌گیرد ارامنه در ایران سازش و انطباق بیشتری در مقایسه با سایر ارامنه در دیگر نقاط جهان داشته‌اند، به طوری که اغلبشان گفته‌اند که ریشه‌های عمیق‌تری در فرهنگ ایران نسبت به فرهنگ ارامنه دارند و گرچه تمایل دارند هویت ارمنی‌شان را حفظ کنند، اما حاضر به ترک ایران نیستند.

طاهرپور و همکارانش (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «مطالعه مقایسه‌ای پایه‌های فردی، شناختی و انگیزشی با پیش‌داوری نسبت به مهاجرین افغان» روی گروه نمونه‌ای متشکل از ۲۰۰ آزمودنی از دو گروه هم‌اندازه کارمندان و دانشجویان نشان داده‌اند نیمی از کارمندان با مهاجران افغانستانی تماس داشته‌اند. یافته‌ها نشان داد گروه کارمندان در تماس با مهاجران افغانستانی در مقایسه با دیگر گروه کارمندان پیش‌داوری کمتری داشته‌اند.

هورن و تومالین (۱۴۰۰) در کتاب *ارتباطات میان‌فرهنگی نظریه و کاربرد* به مهم‌ترین مفاهیم و ساحت‌های نظری و کاربردی ارتباطات میان‌فرهنگی می‌پردازند.

با توجه به اینکه پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی ابعاد ارزشمندی را

بررسی کرده‌اند، پژوهش حاضر از این جهت دارای نوآوری است که مناسبات میان فرهنگی اتباع افغان در مواجهه با شهروندان قمی را بر اساس نظریه هم‌فرهنگی و پس از آغاز موج بازگشت افغان‌ها به کشورشان بررسی می‌کند.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

۲-۱. مبانی نظری

رویکردهای متفاوت در عرصه نظریه‌های ارتباطات میان فرهنگی را می‌توان به هفت دسته تقسیم‌بندی کرد:

- نظریه‌هایی که فرهنگ را در فراگرد ارتباطات ادغام می‌کنند؛
- نظریه‌هایی که تفاوت‌های فرهنگی در ارتباطات را مدنظر قرار می‌دهند؛
- نظریه‌های بین‌گروهی - بین فرهنگی با تأکید بر پیامدهای مؤثر؛
- نظریه‌های بین‌گروهی - بین فرهنگی با تأکید بر سازش و انطباق؛
- نظریه‌های بین‌گروهی یا بین فرهنگی با تأکید بر مدیریت هویت یا مذاکره درباره هویت؛
- نظریه‌های بین‌گروهی - بین فرهنگی با تأکید بر شبکه‌های ارتباطی؛
- نظریه‌های بین فرهنگی که بر فرهنگ‌پذیری و سازگاری متمرکز می‌شوند (Gudykunst, 2003 & 2017).

نظریه هم‌فرهنگی از جمله نظریه‌های دسته چهارم است که چهارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش است.

۲-۲. نظریه هم‌فرهنگی

در واقع باید گفت نظریه هم‌فرهنگی، مبتنی بر رویکرد پدیدارشناختی است. همچنین برپایه آموزه‌های دو نظریه گروه خاموش و نقطه نظر بنا شده که مبنای استحکام آن را فراهم کرده است. نظریه گروه خاموش چنان‌که کارامارائه^۱ مطرح کرده است، بیشتر بر زنان به‌عنوان گروه خاموش

1. Karamarae

تمرکز دارد. او می‌گوید فرهنگ، محدودهٔ زبان را مشخص می‌کند و چون مردان قدرت بیشتری دارند، زنان در ابراز عقاید خود دچار مشکل می‌شوند و در فرایند ارتباطات نیز احساس رضایت کمتری می‌کنند. از آنجاکه زبان چنین موقعیتی را برای مردان فراهم آورده است، زنان باید به‌منظور مشارکت در جامعه الگوهای خود را به قالب‌های قابل درک مردان مبدل ساخته و معادلات زبان را به نفع خود تغییر دهند (Lurner & West, 2003).

نظریهٔ نقطه‌نظر بر اساس اندیشهٔ اسمیت^۱ با نگاهی عمیق به نقش جایگاه سلسله‌مراتبی توجه دارد؛ زیرا ساختاردهنده و محدودکنندهٔ درک و دریافت روابط اجتماعی است؛ بنابراین وقتی برای دو گروه متفاوت، حیات مادی به دو شکل متقابل ساختار می‌یابد، درک هر گروه معکوس دیگری خواهد بود. در این میان، درک گروه مسلط، روابط بین افراد و گروه‌ها را ساختاربندی می‌کند. در مقابل بینش گروه تحت سلطه مبتنی بر مبارزه و تحقق خواسته‌هاست. آن‌ها روابط بین گروه‌ها را غیرانسانی و غیرعادلانه تلقی کرده و لزوم ایجاد دنیایی عادلانه‌تر را یادآور می‌شوند (Smith, 1987). نظریهٔ هم‌فرهنگی بر فرایندی تمرکز دارد که طی آن اعضای گروه‌های هم‌فرهنگ تفاوت‌های فرهنگی خود را با دیگران به مذاکره می‌گذارند و چهارچوبی برای محققان فراهم می‌کنند تا فرایند تعامل این گروه را با اطرافیان تبیین کنند.

براساس نظریهٔ هم‌فرهنگی اورب می‌توان شش عامل مؤثر بر ارتباطات گروه‌های هم‌فرهنگ را مورد توجه قرار داد. این عوامل به‌هم‌وابسته که تأثیرگذاری این گروه‌ها را بر ساختار اجتماعی مسلط تبیین و تفسیر می‌کنند، عبارتند از:

۱. انتخاب رفتار ارتباطی از سوی هم‌فرهنگ‌ها که هدف نهایی آن تأثیرگذاری بر ارتباط با گروه مسلط است که گاه انطباق کامل، گاه توافق و گاه قطع رابطهٔ کامل با گروه مسلط را نشان می‌دهد.
۲. حیطةٔ تجارب شخصی در فرایند ارتباطات بین هم‌فرهنگ‌ها که حاکی از ثبات، تفکر، انتخاب و ارزیابی در شیوهٔ برقراری ارتباط آن‌هاست. بر این اساس هرکدام از اعضای این گروه‌ها

1. Smith

در شرایط مختلف رفتارها و تاکتیک‌های ارتباطی متنوعی را تجربه می‌کنند.

۳. قابلیت انجام برخی رفتارها، برای همه گروه‌های هم‌فرهنگ دست‌یافتنی است، اما برای برخی اعمال به شخصیت و موقعیت فرد بستگی دارد؛ لذا برای همه اعضا نمی‌توان یک نسخه پیچید.

۴. شرایط و موقعیت که در تعیین راهکار برای گروه‌های هم‌فرهنگ مهم ارزیابی می‌شود، چه آنکه این گروه‌ها بر این مبنا اهم و مهم می‌کنند. بر این مبنا مسائل را ارزیابی کرده و با تعیین مهم و مهم‌تر خود را با محیط و گروه مسلط تطبیق می‌دهند یا در مقابلش مقاومت کنند و خواسته‌های خود را به آن می‌قبولانند.

۵. هزینه‌ها و فایده‌های بالقوه رفتار ارتباطی برای گروه‌های هم‌فرهنگ حائز اهمیت است زیرا هر رفتار ارتباطی در خود پتانسیل مثبت یا منفی دارد تا آنجاکه یک رفتار ارتباطی می‌تواند گروه هم‌فرهنگ را در ایجاد پایگاه قدرت کمک کند.

۶. چگونگی برقراری ارتباط خود را در سه شکل منفعل، فعال و بیش‌فعال نشان می‌دهد (بشیر و روحانی، ۱۳۸۸؛ به نقل از گادیکانست، ۲۰۰۳).

مارک اورب این شش عامل را که نقش مهمی در تصمیمات استراتژیک گروه‌های هم‌فرهنگ دارد، چنین توصیف می‌کند: نظریه هم‌فرهنگی در حوزه تجربه‌ها معنا می‌یابد که درک از هزینه‌ها، فایده‌ها و قابلیت‌هایی را که در ارتباطات بین گروه‌های هم‌فرهنگی وجود دارد، برپایه انتخاب رفتار ارتباطی و چگونگی برقراری ارتباط تفسیر می‌کند (Orbe, 1998: 19).

مایکل اورب نه جهت‌گیری ارتباطی را بر مبنای اهداف و رویکردهای ارتباطی گروه هم‌فرهنگ بیان می‌کند که در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱. جهت‌گیری ارتباطی گروه هم‌هدف

انطباق منفعل	سازش منفعل	جداسازی منفعل
انطباق فعال	سازش فعال	جداسازی فعال
انطباق بیش‌فعال	سازش بیش‌فعال	جداسازی بیش‌فعال

۱. انطباق منفعل: نگرش انطباقی منفعل نوعاً شامل آداب تعاملی هم‌فرهنگی همچون تأکید بر

توده مردم و خودسانسوری به عنوان تمهیدی برای هم‌رنگ جماعت غالب شدن، سکوت یا ارائه چهره موجه از خود است. این تلاش‌ها ظاهراً به یک شیوه صورت می‌پذیرند. گروه هم‌فرهنگ مایل به ورود به جامعه است و تفاوت‌ها را بروز نمی‌دهد (بشیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۳).

۲. انطباق فعال: اعضای گروه هم‌فرهنگ که این گرایش را انتخاب می‌کنند، رویکرد فعال‌تری را در پیش گرفته و به واسطه آدابی همچون چانه‌زنی، جبران بیش‌ازحد و آماده‌سازی مفرط، می‌کوشند با برجسته‌ساختن کیفیت همکاری خود به عنوان افراد منحصر‌به‌فرد، امتیاز گرفته و برای ورود به جامعه شرایط تعیین کنند و هم‌رنگ ساختارهای غالب شوند (بشیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

۳. انطباق بیش‌فعال: گرایش انطباقی بیش‌فعال رویکردی مصمم و گاه تهاجمی را در جهت عضویت در گروه غالب اتخاذ می‌کند. اعضای گروه‌های هم‌فرهنگی که از این گرایش اولیه استفاده می‌کنند، با بهره‌گیری از آدابی همچون بازتاب دادن یا فاصله گرفتن استراتژیک، اهمیت بسیار زیادی برای هم‌رنگی با جماعت قائل هستند؛ تا حدی که در مقایسه با حقوق و باورهای دیگران کم‌اهمیت‌تر دانسته می‌شوند. آداب تمسخر نشان می‌دهد اعضای گروه‌های هم‌فرهنگی برای آنکه یکی از اعضای گروه‌های غالب دانسته شوند، حاضرند تا کجا پیش بروند (بشیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

۴. سازش منفعل: افرادی که این گرایش را اتخاذ می‌کنند، می‌کوشند به واسطه شیوه‌ای ظاهراً مهارشده، غیرمواجه‌ای و غیرتعارض‌زا به صورت منفعل وارد جامعه شوند. اعضای گروه‌های هم‌فرهنگ بهره‌گیری از این آداب را به مثابه تمهیداتی ظریف برای اثرگذاری بر اعضای گروه غالب می‌دانند، به نحوی که جامعه واکنش نشان ندهد و درعین حال وضعیت خود را حفظ کرده و جامعه غالب را نپذیرند. این گرایش هم‌فرهنگی شامل آدابی همچون افزایش مرئیت و باطل کردن کلیشه‌ها می‌شود (بشیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

۵. سازش فعال: درحالی که گرایش سازش منفعل برای احتیاجات اعضای گروه‌های غالب برتری قائل است، یک گرایش هم‌فرهنگی سازش فعال، در تلاش برای دگرگون‌سازی ساختارهای

اجتماعی، توازنی را بین احتیاجات خود و دیگران به وجود می‌آورد. به نظر می‌رسد چندین آداب هم‌فرهنگی گوناگون به واسطهٔ صدایی فعال، در طلب سازش باشند (بشیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۶). اعضای گروه هم‌فرهنگ با استفاده از تدابیری همچون ابراز خود و آموزش دیگران می‌توانند به‌منظور تغییر ساختارهای غالب موجود با دیگران - هم‌اعضای گروه هم‌فرهنگ و هم‌اعضای گروه غالب (ایجاد شبکه‌های بین‌گروهی) - همکاری کنند (بشیر و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۵).

۶. سازش بیش‌فعال: کانون تمرکز افرادی که گرایش سازشی بیش‌فعال را اتخاذ می‌کنند، این است که به بخشی از ساختار غالب تبدیل شوند، سپس از درون برای ایجاد تغییر کار کنند. افرادی که این شیوه را انتخاب می‌کنند، می‌کوشند خود را در ساختار جامعهٔ غالب جای دهند، بنابراین تلاش می‌کنند نقاط تعارض را تا اندازه‌ای به نفع خود حل کنند. سپس از درون برای ایجاد تغییر کار می‌کنند، با اعتراض از جامعهٔ غالب امتیاز می‌گیرند و به هر شکل ممکن خود را در جامعهٔ غالب مطرح می‌کنند (بشیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۵).

۷. جداسازی منفعل: برای برخی اعضای گروه‌های هم‌فرهنگی، جداسازی از کسانی که با آن‌ها متفاوت‌اند، واقعیتی است که به‌طور طبیعی رخ می‌دهد. با این همه دیگران از آداب تعاملی زیرکانه برای حفظ یک گرایش جداسازی طی ارتباطات گروه‌های هم‌فرهنگی بهره می‌جویند (بشیر، ۱۳۹۷: ۱۳۷). می‌توان از برخی آداب تعاملی هم‌فرهنگی مثل اجتناب و حفظ موانع میان‌فردی به‌منظور تسهیل جداسازی هم‌فرهنگی بهره جست. برای کسانی که از این گرایش اولیه بهره می‌گیرند، اجتناب فیزیکی هر زمان که ممکن باشد، صورت می‌پذیرد، اما وقتی میزان خاصی از ارتباط با اعضای گروه‌های غالب اجتناب‌ناپذیر باشد، اعضای گروه‌های هم‌فرهنگی خود را در حال انجام دادن رفتارهایی می‌یابند که فاصله‌ای روانی بین دو گروه ایجاد می‌کند.

۸. جداسازی فعال: افرادی که گرایش جداسازی فعال را اتخاذ می‌کنند، به‌طور درونی در تلاش برای ایجاد ساختارهای فرهنگی خاص اعضای گروه غالب، معتمد به‌نفس‌تر هستند. آدابی که می‌توانند به طرزی تأثیرگذار موجب پدید آمدن یک گرایش جداسازی فعال شوند، شامل نشان

دادن توانایی‌ها و پذیرفتن کلیشه‌ها هستند. از نقطه نظر اعضای گروه‌های هم‌فرهنگی، آداب دیگری همچون ابراز خود و شبکه‌بندی درون‌گروهی، هم برای گرایش‌های جداسازی فعال و هم سازش فعال، سودمند به نظر می‌آید (بشیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۸).

۹. جداسازی بیش‌فعال: جداسازی بیش‌فعال گرایش تعاملی اولیه در زمانی است که تفکیک هم‌فرهنگی بسیار حیاتی و در رأس فوریت‌ها باشد. این گرایش خاص درصدد است تا به‌واسطه بهره‌گیری از آداب تعاملی هم‌فرهنگی همچون حمله لفظی، تخریب و خراب‌کاری‌های عمدی در فعالیت‌های گروه غالب، قدرتی شخصی را اعمال کند. (بشیر، ۱۳۸۸: ۲۰۴) این رویکرد به منازعه نیل پیدا می‌کند (Ting-Toomey, 1999).

با در نظر گرفتن موقعیت مهاجران و اتباع افغانستانی در ایران، نظریه هم‌فرهنگی می‌تواند در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی، کمک شایانی در تبیین ابعاد ارتباطی آنان در ایران انجام دهد. البته می‌توان تعاملات و مناسبات فرهنگی - ارتباطی اتباع افغان را از وجوه گوناگون بررسی کرد، اما آنچه مورد توجه نظریه هم‌فرهنگی است چگونگی برقراری ارتباط بین دو گروه هم‌فرهنگ و غالب است. در این راستا نمود رفتاری این تعارض‌ها فارغ از خاستگاه‌های متنوع آن مدنظر است. از آنجاکه نظریه هم‌فرهنگی ناظر بر رویکردها و جهت‌گیری‌های ارتباطی متنوع گروه هم‌فرهنگ در مقابل گروه غالب است، اتباع افغان به‌عنوان گروه هم‌فرهنگ در برابر گروه غالب یعنی شهروندان قومی منظور شده‌اند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و در آن سعی شده با تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی پژوهش که از طریق مصاحبه عمیق به دست آمده است، ابعاد مناسبات میان‌فرهنگی مهاجران افغانی و شهروندان قومی کشف شود و سپس براساس نظریه هم‌فرهنگی اورب مورد بررسی قرار گیرد. برای جمع‌آوری داده‌ها، اقدام به طراحی مصاحبه عمیق براساس نظریه هم‌فرهنگی و نه جهت‌گیری

ارتباطی اورب از سی نفر از اتباع افغانستانی شد و داده‌های استخراج شده در هر جهت گیری ارتباطی متناسب آن دسته‌بندی شدند. در این پژوهش سعی شده است با رویکرد پدیدارشناسانه، مصاحبه با افراد مختلف و از نسل‌ها و جنسیت‌های متفاوت صورت گیرد تا یافته‌های پژوهش، بیشتر قابل استناد باشند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای هدفمند متناسب بوده. از طریق گلوله برفی میدانی این مهم پیش برده شده است و از همه مشاغل، جنسیت‌ها، تحصیلات، سن، رعایت اصل پراکندگی جغرافیای شهری و غیره در آن حضور داشته‌اند. روش تحلیل داده‌ها نیز ترکیبی از تحلیل زمینه‌ای و پدیدارشناسانه در چهارچوب نظریه هم‌فرهنگی بوده است.

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند جمع‌آوری شدند. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا ضمن حفظ ساختار کلی پرسش‌ها، انعطاف‌پذیری لازم را برای پیگیری پاسخ‌های عمیق‌تر و جزئیات خاص داشته باشد.

در این پژوهش تلاش شده است تا با کشف ابعاد رابطه میان مهاجران افغانی و ایرانیان و تجربه زیسته اتباع افغان در قالب یک پژوهش پدیدارشناختی، به توصیف و تشریح جنبه‌های مختلف آن اقدام شود. این داده‌های کیفی از طریق مصاحبه با افغان‌های ساکن شهر قم به دست آمده است و از دل داده‌های مربوط به آن، مضامین و معانی مورد نظر، رویکرد و اهداف اتباع افغان در ارتباط میان‌فرهنگی با شهروندان قمی استخراج و کشف شده است.

۴. تحلیل یافته‌ها

رویکردهای اتباع افغان در تجارب ارتباطی با شهروندان قمی براساس نظریه هم‌فرهنگی، خود را در قالب پنج جهت‌گیری ارتباطی (انطباق منفعل، انطباق فعال، سازش منفعل، سازش فعال، جداسازی منفعل) و یک رویکرد جدید خارج از نه رویکرد متصور در نظریه هم‌فرهنگی، با عنوان «انطباق کامل»، بروز داد.

۴-۱. انطباق

۴-۱-۱. انطباق منفعل

از بین اتباع افغان مصاحبه‌شده، کمترین انتخاب مربوط به این جهت‌گیری است. سه نفر انطباق منفعل را برگزیده‌اند که می‌تواند نشان از آن باشد که برخی افغان‌های مقیم شهر قم به دنبال خودسانسوری و فرار از نشان دادن خود واقعی‌شان هستند تا بتوانند با آسایش روان راحت‌تری در ایران زندگی کنند. این استراتژی در نشان دادن خود به‌عنوان یک ایرانی برای پذیرفته شدن یا کتمان هویت افغانی در اجتماعات، بروز و ظهور پیدا کرده است. این اتباع افغان حتی تلاش می‌کنند هنگام سخن گفتن با شهروندان قمی به گونه‌ای سخن بگویند که لهجه‌شان به اتباع افغان شبیه نباشد. در واقع در این تجربه‌ها شاهد نوعی همسان‌سازی با گروه غالب هستیم.

۴-۱-۲. انطباق فعال

یازده نفر از اتباع افغان، انطباق فعال را انتخاب کرده‌اند و بیشترین رویکرد اتخاذشده توسط اتباع، مربوط به این رویکرد است. این افراد با کسب مهارت‌های فردی یا تأکید بر هویت خود سعی بر چانه‌زنی برای حضور در اجتماع دارند. این افراد در شغلشان صاحب تخصص شده و مرجع مشتریان افغان حتی مشتریان زیادی از ایرانیان شده‌اند. این افراد در صنایع مربوط به پوشاک، جواهرسازی و ساختمانی اشتغال داشتند. برخی اتباع افغان در فعالیت‌هایی مانند تشکیل گروه‌های مذهبی و فرهنگی یا انجام فعالیت‌های ورزشی، همچون اهرمی برای پذیرش خود در جامعه گروه غالب فعالیت می‌کنند. نبود فردی که جهت‌گیری انطباق بیش‌فعال را انتخاب کرده باشد نیز می‌تواند حاکی از آن باشد که افغان‌ها هرگز تمایل به جدا شدن از گروه‌های هم‌فرهنگشان ندارند.

۴-۲. سازش

۴-۲-۱. سازش منفعل

اتباع افغانی‌ای که این گرایش را اتخاذ کردند، تلاش داشتند به‌واسطه شیوه‌ای ظاهراً مهارشده، غیرمواجهه‌ای و غیرتعارض‌زا، به‌صورت منفعل وارد جامعه شوند. بر این اساس، بسیاری از آنان

آمیختن با فرهنگ ایرانی را به دلیل فصول مشترک فراوان، ضروری دانسته و از هر عاملی که موجب انزوایشان شود، دوری می‌گزینند. چهار نفر از اتباع افغانی جهت‌گیری سازش منفعل را انتخاب کرده‌اند که اکثرشان استراتژی سکوت را در برابر گروه حاکم در پیش گرفته‌اند. این افراد با توجه به نیاز اقتصادی‌شان سعی می‌کنند خود را محدود کرده و رفتار تعارض‌زایی از سوی آن‌ها در قبال جامعه ایرانی اتفاق نیفتد.

۲-۲-۴. سازش فعال

گروه هم‌فرهنگ اتباع افغان سعی کرده‌اند با ایجاد شبکه‌های بین‌گروهی، خود را در جامعه غالب مطرح کنند. ایجاد نظام‌های ارتباطی بین‌گروهی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی علاوه بر اینکه شرایط را برای دستیابی به خواسته‌هایشان فراهم می‌کند، موجب ارتباط با افراد صاحب‌نفوذ گروه غالب نیز می‌شود. بر این اساس، اتباع افغان تلاش می‌کنند از امتیازهای قانونی موجود در ایران استفاده کنند. اطلاع‌رسانی شبکه‌ای مجازی گسترده در بین اتباع افغان باعث شده تا بیش از مهاجران سایر کشورها در ایران شاهد حضور اتباع افغان در اداره‌های مرتبط با رسیدگی به امورات اتباع باشیم.

حضور چشمگیر اتباع افغان در مقایسه با اتباع سایر کشورها نکته‌ای بود که شخصاً در بررسی‌های میدانی در اداره‌های شهر قم مانند اداره امور اتباع و مهاجران خارجی استانداری قم و پلیس گذرنامه شاهدش بودم. اذعان مسئولان ذی‌ربط نیز تأییدی بر همین مدعا بود، اما اتباع افغان این جهت‌گیری را به‌مثابه اتخاذ رویکردی مستقل ندیده و تنها در بیان پنج نفر از آنان، رویکرد سازش فعال دریافت شد. در بین اتباع افغانی مصاحبه‌شده، کسی رویکرد سازش بیش‌فعال را انتخاب نکرده است.

۳-۴. جداسازی

۱-۳-۴. جداسازی منفعل

سه نفر از اتباع افغان جداسازی منفعل را برگزیده‌اند. کمترین انتخاب مربوط به استراتژی

جداسازی منفعل و حاکی از آن است که افغان‌های مقیم شهر قم، در چالش‌ها با گروه حاکم از قدرت کافی برای مقابله برخوردار نیستند و کمتر می‌توانند ساختارهایی تفکیک‌شده از گروه حاکم ایجاد کنند یا ایجاد آن برایشان هزینه‌های مادی و روانی بسیاری خواهد داشت و با توجه به آنکه افغان‌ها معمولاً به دلیل شرایط ناامن و اوضاع نامناسب اقتصادی کشورشان به ایران مهاجرت کرده‌اند، این هزینه‌ها معقول نیست. اتخاذ جداسازی به‌عنوان یک جهت‌گیری ارتباطی، در میان اتباع افغانستانی با سنین بالاتر و در زنان در مقایسه با اتباع با سنین پایین‌تر و مردان، به میزان بیشتری وجود دارد. از میان سه نفر مصاحبه‌شده که به جداسازی در ارتباط با شهروندان قمی گرایش داشتند، دو نفر زن و یک نفر مرد بودند. همچنین دو نفرشان، ۶۰ و ۶۹ ساله بودند.

۴-۴. رویکرد جدید

در میان اتباع مصاحبه‌شده، رویکرد جدیدی به دست آمد که خارج از رویکردهای نُه‌گانه نظریه هم‌فرهنگی بود. بر اساس این رویکرد برخی افراد هویت مستقلی برای اتباع افغانی و خود قائل نبودند. این اتباع افغان در ارتباط با شهروندان قمی هیچ‌یک از جهت‌گیری‌های متصور در نظریه هم‌فرهنگی را اتخاذ نکردند و رویکرد جدیدی را برگزیدند. فصل مشترک این گروه از افراد در یک جمله خلاصه می‌شد: آن‌ها خود را ایرانی می‌دانستند؛ بنابراین می‌توان طبق نتایج حاصل از این پژوهش، رویکرد سه در سه به‌اضافه یک را ارائه داد. مطابق رویکرد جدید افراد به‌نوعی «انطباق کامل» را انتخاب کرده و خود را ایرانی می‌دانستند.

این رویکرد جدید می‌تواند ماحصل عوامل متعددی باشد که در طول مصاحبه با اتباع افغان، برخی از آن‌ها به دست آمد، از جمله: رویکرد انسان‌دوستانه جمهوری اسلامی ایران در برخورد و پذیرش اتباع و مهاجران در مقایسه با سایر کشورها، صاحب‌شناسنامه ایرانی شدن برخی اتباع و مهاجران در کشور با احراز شرایط قانونی، بهره‌مندی از خدمات عمومی تا حدودی شبیه آنچه برای شهروندان ایرانی وجود دارد و حتی استفاده از یارانه‌های پنهان دولتی، امکان ازدواج اتباع افغان با شهروندان ایرانی، وجود اشتراک‌های مذهبی، اعتقادی، تاریخی و فرهنگی و زبان فارسی،

حضور طولانی مدت اتباع افغان و وابستگی خاطرشان به ایران اسلامی، صاحب حرفه و درآمد شدن در کشور، و امنیت موجود در ایران. در هر حال مجموع عوامل مختلف می‌تواند در اتخاذ این رویکرد اتباع افغانستانی مؤثر باشد.

جدول شماره ۱. رویکرد ارتباطی اتباع افغان در یک نگاه

جنسیت	سن	خلاصه اظهارات	مدرک تحصیلی	نوع اقامت	شغل	محل سکونت	رویکرد
مرد	۳۸	اتباع افغان مجبورند با دیگران معاشرت کنند زیرا اکثریت جامعه با ایرانیان است. هر جا نگاه می‌کنید همسایه‌ها و همکاران و بسیاری دیگر غیر از اتباع افغان هستند و تماس با آنها اجتناب‌ناپذیر است. به‌رحال ما به‌ناچار در ایران زندگی می‌کنیم و اوضاع کشورمان برای زندگی مناسب نیست.	کارشناسی ارشد	گذرنامه اقامتی	کارگر ثابت قراردادی	خیابان ۱۵ خرداد	انطباق منفعل
مرد	۲۴	انجام امور اقتصادی در ایران باعث شده تا ارتباط با ایرانی‌ها ناگزیر باشد و از آنجاکه برخی ایرانیان در انتخاب مخاطب، مشتری یا همکار اقتصادی، اولویت را به اتباع افغان نمی‌دهند، مجبوریم هویت خود را مخفی کنیم.	کارشناسی	گذرنامه اقامتی	کارگر ثابت قراردادی	خیابان مدرس	انطباق منفعل
زن	۵۳	هرچند برای مدتی طولانی در ایران سکونت داریم، توهین لفظی برخی ایرانیان بسیار	دیپلم	کارت آمایش	خانه‌دار	شهرک فاطمیه	انطباق منفعل

جنسیت	سن	خلاصه اظهارات	مدرک تحصیلی	نوع اقامت	شغل	محل سکونت	رویکرد
		سخت است. همواره سعی می‌کنم اطرافیان متوجه نشوند که از اتباع افغان هستم. اگر شرایط امنیتی در افغانستان تغییر کند، حتماً با تمام اعضای خانواده به افغانستان بازخواهم گشت.					
مرد	۴۸	من در شغلم شناخته شده هستم و ایرانیان نیز ترجیح می‌دهند به من مراجعه کنند. تعداد زیادی از کارگران من از افغان‌ها هستند و کارت آمایش هم دارند، ولی قوانین موجود در ایران به نفع ما نیست و چنانچه نفعی برای ایران داشته باشیم، اداره‌های ایران با ما همکاری می‌کنند.	کاردانی	گذرنامه اقامتی	کارگر ثابت قراردادی	خیابان شهر قائم	انطباق فعال
زن	۳۹	مشتریان ثابتی از ایرانیان دارم که مرتب به من زنگ می‌زنند تا برای نظافت به خانه‌شان بروم و من را به دیگر ایرانیان هم معرفی می‌کنند.	کارشناسی	گذرنامه خانوار	کارگری غیرثابت	خیابان توانیر	انطباق فعال
زن	۱۹	با توجه به اینکه اتباع افغان حقوق کمتری دریافت می‌کنند، خیلی از دوستانم، از اتباع افغان، مانند من در فروشندگی‌های مختلف مشغول به کار هستند.	دیپلم	دارای شناسنامه ایرانی	کارگر ثابت قراردادی	جمکران	انطباق فعال
مرد	۱۵	تعداد زیادی از دوستانی که با آن‌ها	سیکل	گذرنامه	کارگر	جمکران	انطباق فعال

جنسیت	سن	خلاصه اظهارات	مدرک تحصیلی	نوع اقامت	شغل	محل سکونت	رویکرد
		معاشرت می‌کنم، ایرانی هستند. در باشگاه ورزشی با دوستان ایرانی‌ام کار و تمرین می‌کنم.		خانوار	غیرثابت		
مرد	۹	هم در مدرسه و هم در محله با بچه‌های ایرانی دوست و هم‌بازی هستیم و مشکلی با هم نداریم.	کمتر از سیکل	گذرنامه خانوار	دانش آموز	خیابان آذر	انطباق فعال
مرد	۱۰	گاهی با هم کلاسی‌های ایرانی و گاهی با هم کلاسی‌های افغانی درس می‌خوانم و بازی می‌کنم.	کمتر از سیکل	کارت آمایش	دانش آموز	خیابان آذر	انطباق فعال

در جدول زیر، رویکرد اتباع افغان در قالب جهت‌گیری جدید ارتباطی با عنوان انطباق کامل آمده است.

جدول شماره ۲. رویکرد جدید از تباطی اتباع افغان در یک نگاه

جنسیت	سن	خلاصه اظهارات	مدرک تحصیلی	نوع اقامت	شغل	محل سکونت	رویکرد
زن	۲۵	من شناسنامه ایرانی دریافت کردم، کاملاً خودم را ایرانی می‌دانم و احساس جدایی از ایرانیان ندارم. با آنکه در ابتدای ازدواج، برخی بستگان شوهرم ترش‌رویی می‌کردند، ولی بعد از بچه‌دار شدن، دیگر همه آن رفتارها کنار رفته است.	کارشناسی	دارای شناسنامه ایرانی	کارگر ثابت قراردادی	شهرک فاطمیه	رویکرد جدید؛ انطباق کامل
مرد	۲۷	همه ما یکی هستیم. ما افغانی‌ها یکی از اقوام مختلف ایرانی هستیم. در شهر قم اقوام مختلف ایرانی زندگی	کارشناسی	دارای شناسنامه ایرانی	کارگر ثابت قراردادی	خیابان شهر قائم	رویکرد جدید؛ انطباق

جنسیت	سن	خلاصه اظهارات	مدرک تحصیلی	نوع اقامت	شغل	محل سکونت	رویکرد
		می‌کنند. کم پیش می‌آید که ترک‌زبان‌ها با لرها یا بلوچ‌ها با فارس‌ها ارتباط قوی مانند آنچه با قوم خود دارند، داشته باشند.					کامل
مرد	۳۹	ریشه همه ما از یک ملت است و از تاریخ مشترکی برخورداریم. در گذشته همه ملت ایران و افغانستان زیر پرچم خراسان بزرگ و ایران کهن بوده‌اند. من و خانواده‌ام به‌شخصه خود را مانند یک غیرایرانی نمی‌بینیم. فرزندانم همه در ایران به دنیا آمده‌اند و به ایران بسیار علاقه دارند و به‌هیچ‌وجه تمایلی به خروج از ایران نداریم.	کارشناسی ارشد	دفترچه اقامتی	کارفرمایی	خیابان شهرقائم	رویکرد جدید؛ انطباق کامل
مرد	۱۴	من بزرگ‌ترین فرزند خانواده‌ام. ما ایرانی هستیم. ما از زمان پدر بزرگم در ایران زندگی می‌کنیم. بسیاری از ما شناسنامه هم داریم. والدینم هم در ایران به دنیا آمده‌اند. پدرم می‌گوید به افغانستان بر نمی‌گردیم.	سیکل	گذرنامه خانوار	کارگر غیرثابت	خیابان ۱۵ خرداد	رویکرد جدید؛ انطباق کامل

برای دقت بیشتر در شناخت رویکردها و جهت‌گیری‌های ارتباطی اتباع افغان، این رویکردها به‌طور مجزا در جنسیت، گروه سنی، مدرک تحصیلی، نوع اقامت، شغل و محل سکونت بررسی شده‌اند.

۴-۵. رویکرد اتباع افغان بر اساس جنسیت

در مجموع سی نفر در این مصاحبه عمیق شرکت کرده‌اند که نه نفرشان زن و مابقی مرد بودند. با این تفاسیر ۳۰ درصد بانوان و ۷۰ درصد (۲۱ نفر) از آقایان در این پژوهش شرکت کردند.

از جمع بانوان، یک نفر رویکرد انطباق منفعل، دو نفر رویکرد انطباق فعال، دو نفر رویکرد سازش منفعل، یک نفر رویکرد سازش فعال، دو نفر جداسازی منفعل و یک نفر رویکرد جدید انطباق کامل را انتخاب کرده‌اند.

از جمع آقایان، دو نفر رویکرد انطباق منفعل، سه نفر رویکرد انطباق فعال، دو نفر رویکرد سازش منفعل، چهار نفر رویکرد سازش فعال، یک نفر جداسازی منفعل و سه نفر رویکرد جدید انطباق کامل را انتخاب کرده‌اند. بین مصاحبه‌شدگان کسی رویکردهای بیش‌فعال از انطباق، سازش و جداسازی را انتخاب نکرده بود.

۴-۶. رویکرد اتباع براساس گروه‌های سنی

در این پژوهش تلاش شده است، از طیف‌های مختلف سنی، افرادی برای مصاحبه انتخاب شوند تا نتیجه جامع‌تر و کامل‌تری در بررسی رویکرد ارتباطی اتباع افغان در ارتباط میان‌فرهنگی با شهروندان قومی به دست آید. جدول زیر رویکرد اتباع افغان را براساس طیف‌های مختلف سنی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. رویکرد ارتباطی اتباع افغان بر اساس گروه‌های سنی

رویکرد	طیف‌های سنی	تعداد نفرات	درصد تقریبی کل نفرات	درصد هر رویکرد
انطباق منفعل	جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال	۱ نفر	۳ درصد	۳۳ درصد
	میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال	۲ نفر	۷ درصد	۶۶ درصد
	کودکان تا ۱۰ سال	۳ نفر	۱۰ درصد	۲۷ درصد
انطباق فعال	جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال	۳ نفر	۱۰ درصد	۲۷ درصد
	میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال	۴ نفر	۱۳ درصد	۳۶ درصد
	کهن‌سالان از ۶۰ سال به بالا	۱ نفر	۳ درصد	۹ درصد
سازش منفعل	نوجوانان از ۱۱ تا ۱۵ سال	۲ نفر	۷ درصد	۵۰ درصد
	جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد
	میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد
سازش فعال	جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال	۳ نفر	۱۰ درصد	۶۰ درصد
	میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال	۱ نفر	۳ درصد	۲۰ درصد

رویکرد	طیف‌های سنی	تعداد نفرات	درصد تقریبی کل نفرات	درصد هر رویکرد
جداسازی منفعل	کهن‌سالان از ۶۰ سال به بالا	۱ نفر	۳ درصد	۲۰ درصد
	نوجوانان از ۱۱ تا ۱۵ سال	۱ نفر	۳ درصد	۳۳ درصد
رویکرد جدید (انطباق کامل)	کهن‌سالان از ۶۰ سال به بالا	۲ نفر	۷ درصد	۶۶ درصد
	جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال	۳ نفر	۱۰ درصد	۷۵ درصد
	میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد

رویکرد انطباق منفعل تنها توسط دو طیف سنی از اتباع افغان در ارتباط با شهروندان قومی اتخاذ شده است؛ ۳۳ درصد از جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال و ۶۶ درصد از میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال. رویکرد انطباق فعال توسط طیف‌های سنی به میزان ۲۷ درصد کودکان تا ۱۰ سال، ۲۷ درصد جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال، ۳۶ درصد میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال، ۹ درصد کهن‌سالان از ۶۰ سال به بالا از اتباع افغان در ارتباط با شهروندان قومی اتخاذ شده است. رویکرد سازش منفعل توسط سه طیف سنی شامل ۵۰ درصد نوجوانان از ۱۱ تا ۱۵ سال، ۲۵ درصد جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال، ۲۵ درصد میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال، از اتباع افغان در ارتباط با شهروندان قومی اتخاذ شده است. رویکرد سازش فعال توسط طیف‌های سنی شامل ۶۰ درصد جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال، ۲۰ درصد میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال، ۲۰ درصد کهن‌سالان از ۶۰ سال به بالا از اتباع افغان در ارتباط با شهروندان قومی اتخاذ شده است. بیشترین گروه سنی که رویکرد سازش فعال را برگزیده‌اند، جوانان بوده‌اند و طیف‌های سنی کودکان و نوجوانان این رویکرد را اتخاذ نکرده‌اند. رویکرد جداسازی منفعل تنها توسط دو طیف سنی شامل ۳۳ درصد نوجوانان از ۱۱ تا ۱۵ سال و ۶۶ درصد کهن‌سالان از ۶۰ سال به بالا از اتباع افغان در ارتباط با شهروندان قومی اتخاذ شده است. سایر گروه‌های سنی، این رویکرد را اتخاذ نکرده‌اند.

رویکرد جدید انطباق کامل توسط طیف‌های سنی شامل ۷۵ درصد جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال و ۲۵ درصد میان‌سالان از ۳۱ تا ۵۹ سال از اتباع افغان در ارتباط با شهروندان قومی اتخاذ شده است. این وضعیت نشان از تمایل زیاد جوانان به این رویکرد جدید است. گروه‌های سنی کودکان، نوجوانان و کهن‌سالان این رویکرد را اتخاذ نکرده‌اند.

۴-۷. رویکرد اتباع افغان براساس مدرک تحصیلی

جدول شماره ۴. رویکرد ارتباطی اتباع افغان براساس مدرک تحصیلی

رویکرد	مدرک تحصیلی	تعداد نفرات	درصد تقریبی کل	درصد هر رویکرد
انطباق منفعل	دیپلم	۱ نفر	۳ درصد	۳۳ درصد
	کارشناسی	۱ نفر	۳ درصد	۳۳ درصد
	کارشناسی ارشد	۱ نفر	۳ درصد	۳۳ درصد
انطباق فعال	کمتر از سیکل	۳ نفر	۱۰ درصد	۲۷ درصد
	سیکل	۲ نفر	۷ درصد	۱۸ درصد
	دیپلم	۱ نفر	۳ درصد	۹ درصد
	کاردانی	۱ نفر	۳ درصد	۹ درصد
	کارشناسی	۳ نفر	۱۰ درصد	۲۷ درصد
	کارشناسی ارشد	۱ نفر	۳ درصد	۹ درصد
	کمتر از سیکل	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد
	سیکل	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد
	کاردانی	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد
سازش منفعل	کارشناسی ارشد	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد
	سیکل	۱ نفر	۳ درصد	۲۰ درصد
	کاردانی	۲ نفر	۷ درصد	۴۰ درصد
	کارشناسی	۱ نفر	۳ درصد	۲۰ درصد
	دکتر	۱ نفر	۳ درصد	۲۰ درصد
سازش فعال	سیکل	۱ نفر	۳ درصد	۳۳ درصد
	کاردانی	۲ نفر	۷ درصد	۶۶ درصد
جداسازی منفعل	سیکل	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد
	کارشناسی	۲ نفر	۷ درصد	۵۰ درصد
	کارشناسی ارشد	۱ نفر	۳ درصد	۲۵ درصد

رویکرد انطباق منفعل توسط اتباع افغان دارای مدرک تحصیلیِ دیپلم، کارشناسی و

کارشناسی ارشد هرکدام به میزان ۳۳ درصد اتخاذ شده است. رویکرد انطباق فعال توسط اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی کمتر از سیکل و کارشناسی هرکدام به میزان ۲۷ درصد، سیکل ۱۸ درصد، دیپلم، کاردانی و کارشناسی ارشد هرکدام ۴۰ درصد اتخاذ شده است. رویکرد سازش منفعل توسط اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی کمتر از سیکل، سیکل، کاردانی، کارشناسی ارشد هرکدام به میزان ۲۵ درصد اتخاذ شده است. از اتباع دارای مدرک تحصیلی دیپلم و کارشناسی کسی این رویکرد را اتخاذ نکرده است. رویکرد سازش فعال توسط اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی سیکل، کارشناسی و دکترا هرکدام به میزان ۲۰ درصد و کاردانی ۴۰ درصد اتخاذ شده است. از اتباع دارای مدرک تحصیلی کمتر از سیکل، دیپلم و کارشناسی ارشد کسی این رویکرد را اتخاذ نکرده است. رویکرد جداسازی منفعل توسط اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی سیکل ۳۳ درصد و کاردانی ۶۶ درصد اتخاذ شده است.

رویکرد جدید انطباق کامل توسط اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی سیکل به میزان ۲۵ درصد، کارشناسی ۵۰ درصد و کارشناسی ارشد ۲۵ درصد اتخاذ شده است. نیمی از افرادی که این رویکرد را اتخاذ کرده‌اند دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بوده‌اند.

۸-۴. رویکرد اتباع افغان براساس نوع اقامت

جدول شماره ۵. رویکرد ارتباطی اتباع افغان براساس نوع اقامت

رویکرد	نوع اقامت	تعداد نفرات	درصد تقریبی کل	درصد هر رویکرد
انطباق منفعل	گذرنامه اقامتی	۲	۷ درصد	۶۶ درصد
	کارت آمایش	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
انطباق فعال	گذرنامه اقامتی	۳	۱۰ درصد	۲۷ درصد
	گذرنامه خانوار	۵	۱۷ درصد	۴۵ درصد
	شناسنامه ایرانی	۱	۳ درصد	۹ درصد
	کارت آمایش	۱	۳ درصد	۹ درصد
	دفترچه اقامتی	۱	۳ درصد	۹ درصد
سازش منفعل	گذرنامه اقامتی	۱	۳ درصد	۲۵ درصد

رویکرد	نوع اقامت	تعداد نفرات	درصد تقریبی کل	درصد هر رویکرد
	گذرنامه خانوار	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	کارت آمایش	۲	۷ درصد	۵۰ درصد
سازش فعال	گذرنامه اقامتی	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
	گذرنامه خانوار	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
	کارت آمایش	۲	۷ درصد	۴۰ درصد
	دفترچه اقامتی	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
جداسازی منفعل	گذرنامه اقامتی	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
	کارت آمایش	۲	۷ درصد	۶۶ درصد
رویکرد جدید (انطباق کامل)	شناسنامه ایرانی	۲	۷ درصد	۵۰ درصد
	گذرنامه خانوار	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	دفترچه اقامتی	۱	۳ درصد	۲۵ درصد

رویکرد انطباق منفعل توسط اتباع افغان دارای مجوز اقامت، گذرنامه اقامتی ۶۶ درصد و کارت آمایش ۳۳ درصد اتخاذ شده است. رویکرد انطباق فعال توسط اتباع افغان دارای مجوز اقامت، گذرنامه اقامتی ۲۷ درصد، گذرنامه خانوار ۴۵ درصد، شناسنامه ایرانی، کارت آمایش و دفترچه اقامتی هر کدام ۱۰ درصد اتخاذ شده است. رویکرد سازش منفعل توسط اتباع افغان دارای مجوز اقامت، گذرنامه اقامتی و خانوار هر کدام ۲۵ درصد و کارت آمایش ۵۰ درصد اتخاذ شده است. رویکرد سازش فعال توسط اتباع افغان دارای مجوز اقامت؛ گذرنامه اقامتی، گذرنامه خانوار و دفترچه اقامتی هر کدام ۲۰ درصد، کارت آمایش ۴۰ درصد اتخاذ شده است. رویکرد جداسازی منفعل توسط اتباع افغان دارای مجوز اقامت، گذرنامه اقامتی ۳۳ درصد و کارت آمایش ۶۶ درصد اتخاذ شده است.

رویکرد جدید انطباق کامل توسط اتباع افغان دارای مجوز اقامت، شناسنامه ایرانی ۵۰ درصد، گذرنامه خانوار و دفترچه اقامتی هر کدام ۲۵ درصد اتخاذ شده است.

۹-۴. رویکرد اتباع افغان براساس نوع اشتغال

جدول شماره ۶. رویکرد ارتباطی اتباع افغان براساس نوع شغل

رویکرد	نوع شغل	تعداد نفرات	درصد تقریبی کل	درصد هر رویکرد
انطباق منفعل	کارگر ثابت قراردادی	۲	۷ درصد	۶۶ درصد
	خانه‌دار	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
انطباق فعال	کارگر ثابت قراردادی	۴	۱۳ درصد	۳۶ درصد
	کارگر غیر ثابت	۳	۱۰ درصد	۲۷ درصد
	کارفرمایی	۱	۳ درصد	۹ درصد
	دانش آموز	۳	۱۰ درصد	۲۷ درصد
سازش منفعل	کارگر غیر ثابت	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	کارفرمایی	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	خانه‌دار	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	دانش آموز	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
سازش فعال	کارگر ثابت قراردادی	۳	۱۰ درصد	۶۰ درصد
	خانه‌دار	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
	روحانی	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
جداسازی منفعل	کارگر ثابت قراردادی	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
	خانه‌دار	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
	دانش آموز	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
رویکرد جدید (انطباق کامل)	کارگر ثابت قراردادی	۲	۷ درصد	۵۰ درصد
	کارگر غیر ثابت	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	کارفرمایی	۱	۳ درصد	۲۵ درصد

رویکرد انطباق منفعل توسط اتباع افغان دارای مشاغل، کارگر ثابت قراردادی ۶۶ درصد و خانه‌دار ۳۳ درصد اتخاذ شده است. رویکرد انطباق فعال توسط اتباع افغان دارای مشاغل، کارگران ثابت قراردادی ۳۶ درصد، کارگر غیر ثابت موقت و دانش آموزان هر کدام ۲۷ درصد و کارفرمایی ۹

درصد اتخاذ شده است. رویکرد سازش منفعل توسط اتباع افغان دارای مشاغل، کارگر غیرثابت موقت، خانه‌دار، دانش‌آموزان هرکدام ۲۷ درصد و کارفرمایی هرکدام ۲۵ درصد اتخاذ شده است. کارگران ثابت قراردادی این رویکرد را اتخاذ نکرده‌اند. رویکرد سازش فعال توسط اتباع افغان دارای مشاغل، کارگران ثابت قراردادی ۶۰ درصد، خانه‌دار و روحانی هرکدام ۲۰ درصد اتخاذ شده است. اتباع در سایر مشاغل این رویکرد را اتخاذ نکرده‌اند. رویکرد جداسازی منفعل توسط اتباع افغان دارای مشاغل، کارگران ثابت قراردادی، خانه‌دار و دانش‌آموزان هرکدام ۳۳ درصد اتخاذ شده است. رویکرد جدید انطباق کامل توسط اتباع افغان دارای مشاغل، کارگران ثابت قراردادی ۵۰ درصد، کارگران غیرثابت موقت و کارفرمایی هرکدام ۲۵ درصد اتخاذ شده است.

۱۰-۴. رویکرد اتباع افغان براساس محل سکونت

جدول شماره ۷. رویکرد ارتباطی اتباع افغان براساس محل سکونت

رویکرد	محل اقامت	تعداد نفرات	درصد تقریبی کل	درصد هر رویکرد
انطباق منفعل	شهرک فاطمیه	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
	خیابان مدرس	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
	خیابان ۱۵ خرداد	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
انطباق فعال	خیابان شهرقائم	۳	۱۰ درصد	۲۷ درصد
	جمکران	۳	۱۰ درصد	۲۷ درصد
	خیابان توانیر	۱	۳ درصد	۹ درصد
	خیابان آذر	۳	۱۰ درصد	۲۷ درصد
	خیابان ۱۵ خرداد	۱	۳ درصد	۹ درصد
سازش منفعل	شهرک فاطمیه	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	خیابان مدرس	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	خیابان شهرقائم	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	خیابان ۱۵ خرداد	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
سازش فعال	خیابان شهرقائم	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
	خیابان آذر	۱	۳ درصد	۲۰ درصد

رویکرد	محل اقامت	تعداد نفرات	درصد تقریبی کل	درصد هر رویکرد
	جمکران	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
	شهرک فاطمیه	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
	خیابان ۱۵ خرداد	۱	۳ درصد	۲۰ درصد
جداسازی منفعل	خیابان توانیر	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
	خیابان نیروگاه	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
	خیابان صفاشهر	۱	۳ درصد	۳۳ درصد
رویکرد جدید (انطباق کامل)	خیابان شهرقائم	۲	۷ درصد	۵۰ درصد
	شهرک فاطمیه	۱	۳ درصد	۲۵ درصد
	خیابان ۱۵ خرداد	۱	۳ درصد	۲۵ درصد

رویکرد انطباق منفعل تنها توسط اتباع افغان ساکن در شهرک فاطمیه، خیابان مدرس و خیابان ۱۵ خرداد هرکدام ۳۳ درصد اتخاذ شده است. رویکرد انطباق فعال توسط اتباع افغان ساکن در خیابان شهرقائم، جمکران و آذر هرکدام ۲۷ درصد و خیابان ۱۵ خرداد و توانیر هرکدام ۹ درصد اتخاذ شده است. رویکرد سازش منفعل توسط اتباع افغان ساکن در خیابان شهرقائم، شهرک فاطمیه، خیابان ۱۵ خرداد و خیابان مدرس هرکدام ۲۵ درصد اتخاذ شده است. اتباع ساکن در سایر مناطق شهر قم این رویکرد را اتخاذ نکرده‌اند. رویکرد سازش فعال توسط اتباع افغان ساکن در خیابان شهرقائم، خیابان آذر، جمکران، شهرک فاطمیه و خیابان ۱۵ خرداد هرکدام ۲۰ درصد اتخاذ شده است. اتباع ساکن در سایر مناطق شهر قم این رویکرد را اتخاذ نکرده‌اند. رویکرد جداسازی منفعل توسط اتباع افغان ساکن در خیابان صفاشهر، خیابان نیروگاه و خیابان توانیر هرکدام ۳۳ درصد اتخاذ شده است. رویکرد جدید انطباق کامل توسط اتباع افغان ساکن در خیابان شهرقائم ۵۰ درصد، خیابان آذر، شهرک فاطمیه و خیابان ۱۵ خرداد هرکدام ۲۵ درصد اتخاذ شده است. اتباع ساکن در سایر مناطق شهر قم این رویکرد را اتخاذ نکرده‌اند.

۴-۱۱. تحلیل یافته‌ها بر اساس اطلاعات زمینه‌ای

طبق یافته‌های این پژوهش با استفاده از نظریه هم‌فرهنگی، رویکردهای ارتباطی اتباع افغان و شهروندان قمی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن به شرح زیر است:

■ از لحاظ جنسیت: بیشترین گرایش در بین بانوان افغان برای انتخاب رویکرد ارتباطی با شهروندان قومی در جهت گیری‌های انطباق فعال، سازش منفعل و جداسازی منفعل هر کدام با ۲۲ درصد اختصاص یافته است. این مطلب حاکی از تمایل بیشتر بانوان افغان به رویکردهای منفعل ذیل رویکرد انطباق و جداسازی است.

بیشترین رویکرد در اتباع افغان مذکر، با ۴۳ درصد مربوط به رویکرد انطباق فعال است که نشان می‌دهد مردان بیشتر تمایل به این رویکرد ارتباطی با شهروندان قومی دارند. رویکرد سازش فعال با ۱۹ درصد در رتبه دوم تمایل مردان به اتخاذ جهت‌گیری ارتباطی با شهروندان قومی قرار دارد. جداسازی منفعل و رویکرد جدید انطباق کامل هر کدام با ۵ درصد، کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. این وضعیت نشان از اتخاذ بیشتر رویکردهای فعال در مقایسه با رویکردهای منفعل بین مردان است.

■ از لحاظ گروه‌های سنی مختلف: بین طیف سنی کودکان تا ۱۰ سال تنها رویکرد اتخاذشده مربوط به رویکرد انطباق فعال با ۱۰ درصد افراد است. در بین طیف سنی نوجوانان از ۱۱ تا ۱۵ سال، ۷ درصد رویکرد سازش منفعل و ۳ درصد رویکرد جداسازی منفعل را اتخاذ کرده‌اند که نشان از تمایل این طیف سنی به اتخاذ رویکردهای منفعل است.

در بین طیف سنی جوانان از ۱۶ تا ۳۰ سال، ۳ درصد رویکرد انطباق منفعل، ۱۰ درصد انطباق فعال، ۳ درصد سازش منفعل، ۱۰ درصد سازش فعال و ۱۰ درصد رویکرد جدید انطباق کامل را اتخاذ کرده‌اند. این روند نشان می‌دهد جوانان افغانستانی مقیم قم رویکردهای فعال را بیشتر انتخاب کرده و به رویکردهای انطباقی تمایل بیشتری دارند. جالب توجه آنکه بین چهار نفری که رویکرد جدید انطباق کامل را اتخاذ کرده‌اند، ۳ نفر از طیف سنی جوانان هستند.

در طیف سنی میان‌سال از ۳۱ تا ۵۹ سال، رویکرد انطباق منفعل ۷ درصد، رویکرد انطباق فعال ۱۳ درصد، و رویکردهای سازش منفعل، سازش فعال و رویکرد جدید انطباق کامل هر کدام ۳ درصد از اتباع افغان را به خود اختصاص داده‌اند که نشان از تنوع بیشتر در اتخاذ رویکردهای ارتباطی با شهروندان قومی دارد؛ هرچند تمایل این گروه سنی به رویکرد انطباق بیش از سایر رویکردهاست.

در طیف سنی کهن‌سالان از ۶۰ سال به بالا، رویکردهای انطباق فعال و سازش فعال هرکدام ۳ درصد و رویکرد جداسازی منفعل ۷ درصد توسط اتباع افغان انتخاب شده است که نشان از اتخاذ بیشتر رویکرد جداسازی منفعل در مقایسه با سایر رویکردها در این طیف سنی است.

■ از لحاظ مدرک تحصیلی اتباع افغان: در میان اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی کمتر از سیکل رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان‌فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل ۱۰ درصد و سازش منفعل ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری را اتخاذ نکرده‌اند که نشان از تمایلشان به اتخاذ رویکردهای منفعل است.

در میان اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی سیکل رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان‌فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال ۷ درصد، سازش منفعل، سازش فعال، جداسازی منفعل و رویکرد جدید انطباق کامل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد انطباق منفعل را اتخاذ نکرده‌اند. این آمار نشان از گستردگی و تنوع اتخاذ رویکردهای ارتباطی توسط این اتباع است.

در میان اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی دیپلم، رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان‌فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل و انطباق فعال هرکدام ۳ درصد بوده است که نشان از تمایل زیاد این اتباع به گرایش و اتخاذ رویکرد انطباق دارد.

در میان اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی کاردانی، رویکردهای اتخاذ شده در ارتباط میان‌فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال و سازش منفعل هرکدام ۳ درصد، و سازش فعال و جداسازی منفعل هرکدام ۷ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری اتخاذ نکرده‌اند.

در میان اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان‌فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل ۳ درصد، انطباق فعال ۱۰ درصد، سازش فعال ۳ درصد و رویکرد جدید انطباق کامل ۷ درصد بوده است.

در میان اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی‌ارشد رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان‌فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل، انطباق فعال، سازش منفعل و رویکرد جدید

انطباق کامل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد سازش فعال و جداسازی منفعل را اتخاذ نکرده‌اند. میان اتباع افغان یک نفر دارای مدرک تحصیلی دکترا بود که رویکرد سازش فعال را اتخاذ کرده است.

■ از لحاظ نوع اقامت اتباع افغان: در میان اتباع افغان دارای گذرنامه اقامتی رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل ۷ درصد، انطباق فعال ۱۰ درصد، سازش منفعل، سازش فعال و جداسازی منفعل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد جدید انطباق کامل را اتخاذ نکرده‌اند.

در میان اتباع افغان دارای گذرنامه خانوار رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال ۱۷ درصد، سازش منفعل، سازش فعال و رویکرد جدید انطباق کامل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد انطباق منفعل و جداسازی منفعل را اتخاذ نکرده‌اند که نشان از تمایل کمتر این اتباع به رویکردهای انفعالی است.

در میان اتباع افغان دارای شناسنامه ایرانی رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال ۳ درصد و رویکرد جدید انطباق کامل ۷ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری اتخاذ نکرده‌اند. این آمار حاکی از تمایل این اتباع به رویکرد انطباق است.

در میان اتباع افغان دارای کارت آمایش رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل و انطباق فعال هرکدام ۳ درصد، سازش منفعل، سازش فعال و جداسازی منفعل هرکدام ۷ درصد بوده است. این اتباع رویکرد جدید انطباق کامل را اتخاذ نکرده‌اند.

در میان اتباع افغان دارای دفترچه اقامتی رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال و سازش فعال هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری را اتخاذ نکرده‌اند که نشان از تمایل این اتباع در اتخاذ رویکردهای فعال دارد.

■ از لحاظ نوع شغل اتباع افغان: در میان اتباع افغان کارگر ثابت قراردادی رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل و رویکرد جدید انطباق کامل ۷ درصد، انطباق فعال ۱۳ درصد، سازش فعال ۱۰ درصد و جداسازی منفعل ۳ درصد بوده

است. این اتباع رویکرد جدید سازش منفعل را اتخاذ نکرده‌اند. در میان اتباع افغان کارگر غیرثابت موقت رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال ۱۰ درصد، سازش منفعل و انطباق کامل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد انطباق منفعل و سازش فعال را اتخاذ نکرده‌اند. در میان اتباع افغان مشغول در شرکت‌های کارفرمایی رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال، سازش منفعل و رویکرد جدید انطباق کامل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد انطباق منفعل، سازش فعال و جداسازی منفعل را اتخاذ نکرده‌اند. این آمار حاکی از آن است که این اتباع تمایل بیشتری به رویکردهای فعال دارند. در میان اتباع افغان خانه‌دار رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل، سازش منفعل و سازش فعال هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری اتخاذ نکرده‌اند که نشان از تمایل این اتباع به رویکردهای منفعل و سازش است. در میان اتباع افغان دانش‌آموز رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال ۱۰ درصد، سازش منفعل و جداسازی منفعل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکردهای انطباق منفعل و جداسازی منفعل و انطباق کامل را اتخاذ نکرده‌اند. در میان اتباع افغان یک نفر روحانی بود که رویکرد سازش فعال را انتخاب کرده بود.

■ از لحاظ محل سکونت اتباع افغان: در میان اتباع افغانستانی که در خیابان شهرقائم زندگی می‌کنند، رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال ۱۰ درصد، رویکرد سازش منفعل و سازش فعال هرکدام ۳ درصد و رویکرد جدید انطباق کامل ۷ درصد بوده است. این اتباع رویکرد جدید انطباق منفعل را اتخاذ نکرده‌اند. این آمار حاکی از تمایل این اتباع به رویکردهای فعال است.

در میان اتباع افغانستانی که در شهرک فاطمیه سکونت دارند، رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل، سازش منفعل، سازش فعال و انطباق کامل هرکدام ۲۵ درصد بوده است. این اتباع انطباق فعال را اتخاذ نکرده‌اند.

در میان اتباع افغانستانی که در روستای جمکران اقامت دارند، رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال ۱۰ درصد و سازش فعال ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری اتخاذ نکرده‌اند که نشان از تمایل بیشتر آنان به رویکردهای فعال است.

در میان اتباع افغانستانی که در خیابان مدرس اقامت دارند، رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل و سازش منفعل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری اتخاذ نکرده‌اند که نشان از تمایل بیشتر آنان به رویکردهای منفعل دارد.

در میان اتباع افغانستانی که در خیابان ۱۵ خرداد زندگی می‌کنند، رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق منفعل، سازش فعال، سازش منفعل، سازش فعال و انطباق کامل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع تنها رویکرد جداسازی منفعل را اتخاذ نکرده‌اند که نشان از تمایل آنان به رویکردهای فعال در ارتباط با شهروندان قومی است.

در میان اتباع افغانستانی که در خیابان توانیر زندگی می‌کنند، رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی شامل انطباق فعال و جداسازی منفعل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری را اتخاذ نکرده‌اند.

در میان اتباع افغانستانی که در سایر مناطق قم (خیابان صفاشهر یک نفر و نیروگاه یک نفر) سکونت دارند، رویکردهای اتخاذشده در ارتباط میان فرهنگی با شهروندان قومی تنها مربوط به جداسازی منفعل هرکدام ۳ درصد بوده است. این اتباع رویکرد دیگری اتخاذ نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد در مناسبات هم‌فرهنگی اتباع افغان در مواجهه با شهروندان قومی، به فراخور اطلاعات زمینه‌ای، رویکردهای مختلفی اتخاذ شده است. در مقایسه اتباع مرد و زن، اتباع مذکر از رویکردهای فعال و زنان از رویکردهای منفعل استفاده کرده‌اند. اتباع کهن‌سال به رویکرد جداسازی منفعل تمایل نشان داده‌اند، ولی این روند در سنین پایین‌تر حاکی از تنوع رویکردهاست. اتباع افغان دارای مدرک تحصیلی کمتر از سیکل تنها رویکردهای انطباق منفعل و سازش منفعل را اتخاذ کرده‌اند که نشان از تمایل آنان به اتخاذ رویکردهای منفعل

است، اما در اتباع افغانستانی دارای مدارک تحصیلی بالاتر شاهد تنوع در اتخاذ رویکردهای ارتباطی هستیم. اتباع دارای شناسنامه ایرانی و دفترچه اقامتی از رویکردهای انطباق فعال و کامل بیشتر استفاده کردند، در حالی که در سایر اتباع با مجوزهای اقامتی دیگر شاهد تنوع اتخاذ رویکردهای ارتباطی هستیم. اتباع افغان در مشاغل مختلف، رویکردهای متنوعی را برگزیده‌اند، اما اتباع افغان خانه‌دار رویکردهای انطباق منفعل، سازش منفعل و سازش فعال را اتخاذ کرده‌اند که نشان از تمایل آنان به رویکردهای منفعل و سازش است و اتباع افغان دانش‌آموز نیز رویکردهای انطباق فعال، سازش منفعل و جداسازی منفعل را اتخاذ کرده‌اند. از آنجاکه اتباع خانه‌دار از زنان هستند و دانش‌آموزان در گروه‌های سنی پایین‌تری قرار دارند، این رویکردها با یافته‌های حاصل از بررسی رویکرد زنان و طیف‌های سنی پایین همخوانی دارد. اتباع افغان ساکن در مناطقی از شهر قم نظیر خیابان شهرقائم و جمکران و شهرک فاطمیه که شاهد تجمع بیشتر اتباع افغان در آن مناطق هستیم، رویکردهای ارتباطی مناسب نظیر انطباق منفعل، فعال و سازش منفعل و فعال و همچنین انطباق کامل اتخاذ شده است، ولی اتباع ساکن در سایر مناطق شهر رویکردهای متنوعی اتخاذ کرده‌اند.

افراد مورد مصاحبه در طول زندگی پس از مهاجرتشان با برخوردهای تلخ توسط شهروندان ایرانی مواجه بودند، اما نتایج تجربه زیستی از سوی مهاجران به‌ویژه مهاجران با سنین بالا و کهن‌سالان، زنان، اتباع دارای مدرک تحصیلی پایین‌تر و اتباع ساکن در مناطقی غیر از تجمع اتباع افغان بیشتر، رویکردهای سازش یا جداسازی منفعل داشته‌اند؛ اما افرادی در سنین پایین‌تر، مردان، اتباع دارای مدارک تحصیلی بالاتر و ساکن در مناطقی از شهر که محل تجمع بیشتر اتباع افغان است، اغلب روش‌هایی چون سازش فعال و انطباق منفعل و فعال و در برخی موارد حتی انطباق کامل را پیش گرفتند. نسل‌های جدیدتر مهاجران افغانی در پی رویکردهای فوق و یا رویکرد جدیدی با عنوان انطباق کامل هستند؛ نسلی که قصد ساختن جامعه‌ای همگرا دارند. آن‌ها به دنبال تحول در نوع نگرش جامعه میزبان هستند تا بتوانند بهتر از نسل‌های پیشینشان زندگی کنند.

فهرست منابع

- بشیر، حسن؛ روحانی، محمدرضا (۱۳۸۸). «نظریه هم‌فرهنگی و گروه‌های هم‌فرهنگ: مطالعه مناسبات مسلمانان در امریکا»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶ (پیاپی ۶)، تابستان، صص ۱-۲۵.
- بشیر، حسن؛ اسمعیلی، محمدصادق؛ روحانی، محمدرضا؛ زارع درخشان، ابوذر؛ سرفراز، حسین؛ سلیمان‌زاده، علی؛ غفاری، علیرضا؛ فائق، سحر (۱۳۹۷). «مطالعات میان‌فرهنگی (جلد اول)». تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بشیر، حسن (۱۴۰۰). «مطالعات میان‌فرهنگی (جلد دوم)». تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بشیر، حسن؛ سلیمانی‌زاده، علی (۱۳۹۳). «گروه‌های اقلیت و نظریه هم‌فرهنگی: مطالعه موردی مهاجران در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال هفتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۲)، صص ۲۳-۴۰.
- بشیر، حسن؛ کشانی، محمدجواد (۱۳۹۸). «ارتباطات میان‌فرهنگی افغان‌های مقیم ایران با ایرانیان برپایه نظریه هم‌فرهنگی»، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، سال چهاردهم، شماره ۴۱، پاییز، صص ۳۰-۹.
- بیگ‌زاد، روح‌الله؛ حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۷). «بررسی ارتباطات میان‌فرهنگی کردهای ایران با اکراد شمال عراق». تهران: مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- حسین‌زاده، ابوالحسن (۱۴۰۳). «تحلیل برهم‌کنش ابعاد ارتباطات میان‌فرهنگی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۷، شماره ۶۵، بهار، صص ۱۵۵-۱۲۹.
- حسین‌زاده، ابوالحسن؛ عابدی گناباد، رضا؛ نوعی باغبان، سید مرتضی (۱۴۰۳). «ابعاد ارتباط میان‌فرهنگی مهاجرین افغان با شهروندان مشهد»، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، دوره ۱۹، شماره ۶۱، بهار، صص ۱۶۸-۱۳۵.
- زارعی، احمد؛ حسینی، فاطمه؛ کریمی، سعید (۱۴۰۰). «فرهنگ‌پذیری مهاجران افغانی در ایران و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی»، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۱۷)، پاییز و زمستان، صص ۷۲-۵۵.
- ظاهرپور، فیروزه؛ زمانی، رضا؛ محسنی، نیک‌چهره (۱۳۸۴). «مطالعه مقایسه‌ای پایه‌های فردی، شناختی و انگیزشی پیش‌داوری نسبت به مهاجران افغان»، پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۸، شماره ۴-۳ (پیاپی ۱۶)، زمستان، صص ۲۹-۹.
- غمامی، محمدرضا؛ شریفی، حسن؛ نجفی، علی (۱۴۰۱). «ارتباطات میان‌فرهنگی و تعارض فرهنگی در میان

اقوام ایرانی»، مجله پژوهش‌های علوم اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۳، پاییز، صص ۱۱۰-۸۹.
گادیکانست، ویلیام (۱۳۹۶). نظریه‌پردازی درباره ارتباطات میان‌فرهنگی (ترجمه حسن بشیر و همکاران)، چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
هورن، برایان جی؛ تومالین، باری (۱۴۰۰). ارتباطات میان‌فرهنگی: نظریه و کاربرد (ترجمه محمدحسین شعاعی). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- Gudykunst, William B. (2003). *Cross-Cultural and Intercultural Communication*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Gudykunst, William B; Kim, Young Yun (2017). *Communicating with Strangers: An Approach to Intercultural Communication* (8th ed.). New York, NY: McGraw-Hill Education.
- Orbe, Mark P. (1998). *Constructing Co-Cultural Theory: An Explication of Culture, Power, and Communication*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Smith, Dorothy E. (1987). *The Everyday World As Problematic: A Feminist Sociology*. Boston, MA: Northeastern University Press.
- Ting-Toomey, Stella (1999). *Communicating Across Cultures*. New York, NY: Guilford Press.
- West, Richard; Turner, Lynn H. (2010). *Introducing Communication Theory: Analysis and Application* (4th ed.). New York, NY: McGraw-Hill.